

عنوان مقاله:

مدرن گرایی و پسامدرن گرایی در مواجهه با مساله هویت و غیریت

محل انتشار:

دوفصلنامه هستی و شناخت، دوره 8، شماره 1 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسنده:

محمد علی عباسیان چالشتی - دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

خلاصه مقاله:

فلسفه مدرن، اجمالا، برنامه و دستگاه معرفتی است که براساس آن تمام عالم هستی توسط بشر به تنهایی فهمیدنی و شناختنی است. در مرکز ثقل این دستگاه هویت معرفتی شخص یا ذهن عامل معرفت قرار دارد. فیلسوفان مدرن اعتبار دستگاه معرفتی و نیز وحدت آن را مرهون هویت معرفتی عامل معرفت می دانند. دکارت خودآگاهی ذهن خودبنیاد از خودش به عنوان یک عامل معرفتی خودآگاه را مبنای تمام معرفت ها، شامل مابعد الطبیعی، طبیعی و غیر آن می دانست. پسامدرن گرایی، درمقابل، گفتمانی فلسفی دربرابر هویت معرفتی و دستگاه معرفتی خودبنیاد مدرن است. تلاش فیلسوفان پسامدرن بر آن است تا با استفاده از مفهوم «غیریت» و نیز ارتباط دادن آن با چند اندیشه غیرمعرفتی دیگر، مثل «میل»، «اراده» و «مسئولیت»، گفتمان فلسفی و متفاوت را پی ریزی نمایند. ازنگاه این مقاله، نه نظریه «هویت» و اندیشه های معرفتی پیوست آن، و نه مفهوم «غیریت» و اندیشه های عمل شناختی همراه آن نمی توانند مستقل از یک دیگر یک دستگاه معرفتی خودبنیاد یا یک گفتمان فلسفی غیرمعرفتی مسلط را پی ریزی و شکل دهند.

کلمات کلیدی:

فلسفه مدرن، گفتمان پسامدرن، هویت، غیریت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1429184>

